



نقد دیوان میرداماد

حامد ناجی اصفهانی*

آمده، مثنوی مخزن الاسرار شیخ نظامی را تتبع نموده، و به آن طرز ادبیات تازه و معانی بی اندازه در سلک نظم ترتیب داده، مقالات توحیدش در غایت تازگی است و مناجات و نعتش در نهایت نازکی، مجازاتش به حقیقت بس دلبر است و معانیش بدرستی و بلندی معجزنما...»

اگر چه سخن فوق به کلی دور از وقایع نیست، ولی شعر سرایی حکیم استرآباد به تفنّن در این فن بیشتر شبیه است تا شاعر بودن، چه اشعار فیلسوفان به واسطه انغمار در معانی عقلی اگر چه دارای مضامین بکر و بلند است، ولی از ظرافتهای شعری تا حدی بیگانه می باشد، لذا از شعر چنین بزرگانی نباید ظرافتهای ادبی سخن سرایان ادب فارسی چون شیخ اجل سعدی شیرازی و بزرگ سخن حافظ شیرازی را سراغ گرفت. با این حال، اگر چه نثر فارسی میرداماد در جذوات و نثر عربی او در بیشتر کتبش، بسیار سخته و پیچیده است، ولی شعرش بدان تعقید و دشواری نیست، و نازک طبیعیهای او در رباعیاتش کاملاً به چشم می خورد.

پیش از ورود به نقد چاپ دیوان او تذکر این نکته لازم می نماید که هر مصححی در تصحیح شعر هر سخن سرایی با دو پیچیدگی روبرو است:
الف: آشنایی با سبک فکری شاعر و شیوه نگارش او.

ب: دست یابی به نسخه صحیح و کهن از آن، چه در کتابت شعر شاعران، گاه اشعار توسط حافظه کاتب نسخه بازسازی می گردد و گاه شعر شاعر، به نحو اصلاح شده و بهتر درج می گردد. از این رو بر خلاف کتابهای منثور که با برخی از

حکیم امیر محمدباقر استرآبادی (۹۶۹-۱۰۳۲ ه.ق)، مشهور به میرداماد و معلم ثالث. از بزرگان علوم عقلی و فرهیختگان معارف اسلامی است. بنابه گزارش تواریخ عصر صفوی، وی به واسطه شدت ذكاء و نبوغ پیش از رسیدن به دوران بلوغ، از برجستگان عصر خود به شمار می رفته است، و نام وی به واسطه پایه ریزی مکتب فلسفی اصفهان و بنیاد حکمت یمانی (یا ایمانی) شیعه، برای ابد قرین اندیشه شیعی خواهد بود.

وی به اقتضای فنون مختلف فلسفه به معنی قدیم، در بیشتر دانشهای متداول عصر خود، به تدریس و تدرّس پرداخته، تا آنجا که شاگردان وی در پزشکی، پس از مراجعت به شبه قاره به تدوین نسخه های پزشکی او همت گمارده اند. از این رو، وی در فن شعر که یکی از بخشهای صناعات پنجگانه منطق است نیز به مصاف سخن رفته و طبع خود را آزموده است.

صاحب تذکره خلاصه الاشعار در این باره گوید: «و الحق بی

شائبه اغراق و مبالغه می توان گفت که تا صیت سخن سرایان بلاد خراسان فرو نشست، چون او بلیغی از آن طرف برنخاسته، و تا بستان فضل در بلاد فارس و عراقین سرسبز شده چون او بلبلی به هزارستان ترنم نیامده؛ منظومات قصاید پرجزالتش بر مقتضای اذهان دراک نوای عشاق آفاق شده، و استعارات مثنویات با سلاستش بر اقتضای افهام راست، غذای پرده سرایان حجاز و عراق

* نویسنده، مصحح و محقق متون فلسفی و دانشجوی دوره دکتری فلسفه

دیوان

میرداماد

«اشراق»

برگوش احمدی

تصحیح‌های قیاسی می‌توان به مصاف نسخه خطی رفت، با کتب منظوم نمی‌توان چنین معاملتی کرد.

و اما درباره چاپ چشم نواز دیوان میرداماد دقیقاً باید اذعان نمود که این چاپ، درخور تصحیح مجدد این دیوان نمی‌تواند باشد، چه شاید هنوز بتوان چاپ اول آن، به همت حاج محمود شفیعی خوانساری، در سال ۱۳۴۹ را، از جهت صحت ضبط بر این چاپ ترجیح داد، با توجه به این که چاپ شفیعی نیز دقتی اندک در سال ۱۳۶۰ با ویراستی مجدد^۱ توسط استاد اکبر هادی در اختیار اهل دانش قرار گرفته است.

حال اگر این چاپ شتابزده را در بوته نقد قرار دهیم، متوجه نکات زیر خواهیم شد:

۱. مقدمه کتاب، فاقد اصول تحقیقی است، چه اولاً در آن هیچ اشاره‌ای به نسخه اساس چاپ نشده، اگر چه به نظر نگارنده گویا بازسازی همان چاپ شفیعی است - و ثانیاً درباره زندگی میرداماد نیز از ترجمه روضات الجنات استفاده شده که هیچ درباره آن سخن نیامده، مصحح محترم فقط به ذکر روضات الجنات نه ترجمه، بسنده کرده است.

در پایان همین بخش منقول از روضات الجنات آمده است «و از سروده‌های افتخاری اوست... مؤلف ذیل احوال میرمبرور به نام دو نفر از اعلام اشاره کرده، طالبان: سید امیر محمدباقر استرآبادی از شاگردان شیخ بهایی بوده...»

در متن عربی روضات الجنات آمده است: «ثم لیعلم أن هذا الرجل (=میرداماد) غیرالسید الامیر، محمدباقر الاسترآبادی المشهور بالطالبان، فانه کان من تلامذة شیخنا البهائی...».

کوتاه سخن آن که مصحح محترم معلوم نیست که خود ترجمه غیر استواری^۲ از متن روضات الجنات ارائه نموده یا آن که از ترجمه‌ای عبارت را نقل نموده است.^۳

در پاورقی صفحه ۲۲ نیز آمده است: «در تذکره باقریه از ریاض الجنة نقل کرده ایم میرمبرور...» که در این عبارت نیز معلوم نیست که مؤلف کتاب تذکره باقریه چه کسی می‌باشد؛ مصحح کتاب یا مترجم غیر نامبرده روضات الجنات؟!

در صفحه ۳۷ و ۳۸ مقدمه به ترتیب شعری از زلالی خوانساری در مدح میرداماد، و چکامه‌ای از میرزا محمد اشرف حسینی به استقبال غزل از نیای خود میرداماد نقل گردیده که سند آن ذکر نشده است، افزون بر آن که شخص دوم میر سید محمد اشرف علوی عاملی صاحب علاقه التجرید و فضایل السادات است، که

نام وی درست ضبط نشده است.

۲. متن اشعار کتاب، چنان که گذشت بر اساس شیوه تصحیح نسخه‌های خطی ارائه نگردیده، حال آن که نسخه‌های متعددی از آن در دست است، استوارترین نسخه از این اشعار نسخه‌ای است که علامه میر سید احمد علوی عاملی، داماد و وصی میرداماد بر آن به خط خود مقدمه نگاشته و جهت ارائه به دربار عباسی فراهم آورده است.^۴

با توجه به اصل فوق اگر به چاپ اشعار برگردیم، کژیهای متعددی در ضبطهای آن به چشم می‌خورد، که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:^۵

ص ۴۱: آئینه خیال ز عکس رحمت نوشت ← رخت گرفت

ص ۴۲: آن جا که عکس روی تو بر بوستان فتاد ← بوستان فتد

ص ۴۲: از تابش جمال تو بر آسمان حسن ← آستان حسن

ص ۴۳: یکدم به ره خرام که تا حسن خویش را ← یک ره برون خرام

ص ۴۳: خاک ارخوئی چنین نکند با خیال تو ← خاک از خوی

ص ۴۳: ابری ستاره گوهر بحری شعاع موج ← کانی ستاره پیکر

ص ۴۴: ... بر جای قطره در صدف اسکندر آفتاب ← چون جرم قطره

ص ۴۴: مهتاب را که روشنی دیده شب است ← مردمک دیده شب است

ص ۴۵: جاهت دهد دفینه در مرکز آسمان/ رایت دهد ودیعت در اغبر آفتاب ← جاهت نهد دفینه... رایت نهد ودیعه

ص ۴۵: ... از خاک حاصل آرد برزبگر آفتاب ← حاصل آید

ص ۴۵: بر درگه تو نفاذ تو افلاک تندسیر ← مریخ تندسیر

ص ۴۶: در بحر ژرف خون یلان غوطه می خورد ← غوطه‌ها خورد

ص ۴۶: ... این قرص را که نام نهد اختر آفتاب ← این قرص خور که نام نهد آفتاب

ص ۴۸: ... نطق میان نطقم افق درر فشانی ← تتق سیاق نطقم

ص ۴۸: نقط سواد خطم همه جیب قوس گردون ← نقط خطوط نطقم همه

ص ۴۸: خردم به عذرخواهی ز تقدم زمانه ← ز تقدم زمانی خردم به عذرخواهی

ص ۵۲: ... که خرد کند اطاعت به ردای وردخوانی ← که خرد کند تأبط...^۶

ص ۵۸: در ره عشق تو عمری شد که حیران مانده ام ← همچو خرد در گل به کار عشق حیران مانده ام

ص ۷۷: ... که سوز آتش عشاق بیشتر باشد ← تیزتر باشد
 ص ۷۹: ... در این رخنه که بر جان من است از نوک مژگانش ←
 رخنه که در جان من است از نوک پیکانش^۲
 ص ۸۳: دلی که مایهٔ دکان عیش بود اشراق ← دکان عرش بود
 ص ۸۴: ... پندگیر ای ساده دل از آتش انجام من ← دل زین
 آتشین انجام من
 ص ۸۴: ... بگذرد روزی به خاکم یار خون آشام من ← گر به خاکم
 بگذرد دلداری خون آشام من
 ص ۱۱۹: ... میرلوا صاحب توسم توئی ← صاحب میسم
 ص ۱۲۰: ... اسم تو من عنده علم کتاب ← ام کتاب
 ص ۱۱۷: ... حامل دین غیبتت علم خدا ← عیبۀ علم خدا
 افزون بر موارد فوق و مشابه‌های فراوان آن، عناوین غزلیات

نسخه‌های خطی با این نسخه چاپی همخوان نیست از باب
 نمونه:
 ص ۱۱۶: منقبت علی (ع) ← نعت سید المسلمین و
 امیرالمؤمنین - علیه صلوات الله و تسلیماته.
 ص ۱۱۸: ایضاً در منقبت ← فصل الخطاب فی منقبة علی -
 علیه السلام -.
 ص ۱۲۱: منقبت ائمه اطهار ← خطاب زمین بوس ائمه طاهرین
 - صلوات الله علیهم اجمعین -.
 ص ۱۲۳: منقبت امام زمان ← مخاطبه سده سینه خاتم الائمه و
 سراج الامة عجل الله فرجه و صلی الله علیه و کشف بنا نعمه
 و ...



پی‌نوشت‌ها:

۱. از محسنات این چاپ ارائه معنی پاره‌ای از لغات مشکل اشعار است که در چاپ جدید آن جای آن خالی می‌باشد.
۲. بیشتر عبارتهای این ترجمه، حالتی تحریری و غیر مطابق با متن دارد.
۳. عجیب آن است که در صفحه ۵ آمده است «لازم».
۴. بخش اول نقل، نشان دهنده ضبط نسخه چاپی

است.

است از محقق و دوست بسیار خوبم... که از کتابخانه شخصی خودشان روضات الجنّات را در اختیارم قرار دادند، سپاس داشته باشم. با توجه به این که اصلاً کتاب روضات الجنّات، کتابی در دسترس است، شاید منظور مصحح مترجم، ترجمه‌ای خاص از کتاب بوده است.

۵. نگارنده، چندی دیگر براساس این نسخه و دو نسخه خطی دیگر، چاپی منقح از این دیوان را ارائه خواهد نمود.
۶. تأبط: در بغل گرفتن
۷. گرچه ضبط «مژگانش» لطیف‌تر است.

تازه‌های
 نشر

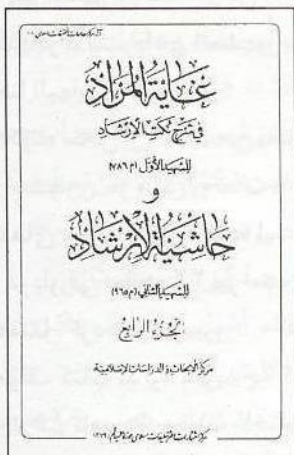


با نشر این دفتر (دفتر چهارم غایب المراد)، دورهٔ این کتاب کامل شد. غایب المراد، شرح شهید اول (م ۷۸۶) است بر إرشاد الأدهان: علامة حلّی (۶۴۸-۷۲۶ هـ. ق) که فقه نامه‌ای سترگ در مذهب امامی به شمار می‌رود، در این چاپ با حاشیهٔ شهید ثانی (م ۹۶۵) - رضوان الله علیهم اجمعین - همراه گردیده. در واقع، دارندهٔ این دورهٔ چهار جلدی، یک دوره از ثمرات نظرات سه فقیه بلند پایهٔ شیعی را در دست دارد؛ با تصحیح و تحقیقی ممتاز و درخشان که به اهتمام حجّة الاسلام و المسلمین، استاد رضا مختاری، و گروهی از همکاران و یاوران وی صورت پذیرفته است.

جزء یکم این پژوهش در سال ۱۳۷۳ هـ. ش / ۱۴۱۵ هـ. ق جایزهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را دریافت کرد.

آنگونه که در مقدمهٔ جزء چهارم یاد شده، پژوهش و تصحیح این اثر بیش از ده سال به طول انجامیده است (از پایانه‌های ۱۳۶۸ هـ. ش تا نیمهٔ ۱۳۷۹ هـ. ش). مقدمهٔ پربرار و سرشار استاد مختاری بر جزء یکم این اثر خود تألیفی مُنیف به شمار است که از این پس، پژوهندگان تراث علامهٔ حلّی و شهیدین (ره)، از مراجعه بدان بی‌نیاز نخواهند بود.

بازیافته‌ها و استدرکات برافزوده در آغاز دفتر چهارم، نشانه‌ای است از پویایی و استمرار در پژوهش این اثر، و نویدبخش امتیازاتی دو چندان که ویراست دوم این تصحیح خواهد داشت.



غایب المراد فی شرح نکت الإرشاد،
 تألیف: الشهید الأول؛
 و: حاشیهٔ الإرشاد، تألیف: الشهید الثانی،
 ج ۴، مرکز الابحاث و الدراسات الإسلامیة،
 مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،
 ط ۱، ۱۴۲۱ هـ. ق، ۱۳۷۹ هـ. ش.